



وظیفه همکاری موکل در مقابل وکیل دادگستری

پدیدآورده (ها) : شعاریان، ابراهیم

حقوق :: کانون وکلای دادگستری :: دوره جدید؛ پاییز و زمستان 1389 - شماره 19 و 20
از 55 تا 69

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/994253>

دانلود شده توسط : ابراهیم شعاریان ستاری

تاریخ دانلود : 10/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

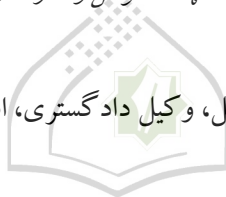
www.noormags.ir

وظیفه همکاری موکل در مقابل وکیل دادگستری

دکتر ابراهیم شعاریان*

چکیده: در مقررات قانونی راجع به وکالت، اعم از وکالت مدنی و دادگستری نظیر قانون مدنی و لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری، تعهدات و تکالیف وکلای دادگستری به تفصیل بیان شده و مسئولیت انتظامی و مدنی ناشی از عدم اجرای تکالیف مزبور پیش‌بینی شده است. با این حال مقررات یادشده از حیث بیان تعهدات موکل ناقص است و این شبهه را دامن می‌زند که گویی قانون‌گذار الزامات ناشی از عقد وکالت را منحصر به تعهدات وکیل می‌داند و از تعهدات موکل غافل است. مقاله حاضر می‌کوشد تا با تأمل در این موضوع و با نگاهی تطبیقی ولو به اختصار، کوتاهی مقنن را گوشزد نماید و پیشنهاد دهد تا در قانون‌گذاری آتی به‌ویژه در ارتباط با مقررات حرفه‌ای وکالت دادگستری، تعهدات موکل و آثار نقض آن، مورد تصریح قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تعهد همکاری، موکل، وکیل دادگستری، اسناد بین‌المللی.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

* وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

۱- مقدمه

رابطه میان وکیل و موکل، مبتنی بر قرارداد و اجرای تعهدات متقابل از سوی طرفین است. موکل علاوه بر پرداخت حق الوکاله، تعهدات دیگری نیز در مقابل وکیل دارد که مصادیق و آثار نقض آن نیز مورد توجه قرار نگرفته است. تعهد به همکاری و مشارکت در اجرای قرارداد که از اصل حسن نیت ناشی می‌شود، امروزه یکی از تعهدات طرفین قرارداد در نظر گرفته می‌شود و در کلیه عقود به‌ویژه قراردادهای طولانی‌مدت، چنین تکلیفی برای طرفین مورد شناسایی قرار گرفته است. به دیگر سخن، متعهدله نیز مکلف است در اجرای موضوع قرارداد توسط متعهد، با وی همکاری لازم را معمول دارد و در صورت عدم همکاری احتمال دارد که وکیل توفیق لازم را در جهت استیفای حقوق موکل نداشته باشد. پس به‌جاست در چنین موقعیتی، علت عدم توفیق وکیل و مسئولیت هریک از طرفین مورد بررسی قرار گیرد.

با اینکه تعهد وکیل از مصادیق تعهد به وسیله است نه تعهد به نتیجه، با وجود این هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی متوجه موکل شود، مسئولیت جبران خسارت را به همراه خواهد داشت و در شناسایی مسئولیت نیز، تقصیر حرفه‌ای وکیل مد نظر قرار خواهد گرفت.

اما ممکن است عدم توفیق وکیل در دعوی مطروحه ناشی از عدم همکاری موکل باشد مانند آنکه موکل از ارائه اطلاعات لازم و مورد نیاز به وکیل خودداری نماید یا آنکه اسناد و مدارکی را که ارائه آن برای امر دفاع ضرورت دارد، تسلیم وکیل نکند. در این حالت ممکن است اظهار عقیده شود که وکیل در چنین وضعیتی مسئولیتی در مقابل موکل ندارد، زیرا تقصیری متوجه او نمی‌باشد. اما فراتر از آن و در مرحله بعدی، مسئولیت موکل را باید مورد بررسی قرار داد و این سؤال را مطرح نمود که آیا در چنین مواردی وکیل استحقاق توسل به ضمانت اجرای نقض قرارداد را در مقابل موکل دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا وکیل می‌تواند الزام موکل را به اجرای تکلیف همکاری درخواست نماید و یا آنکه امکان مطالبه خسارت (اعم از مادی یا معنوی) از موکل وجود دارد یا خیر؟

موضوع تعهد به همکاری و نتایج ناشی از نقض چنین تعهدی در ادبیات حقوقی ایران مورد مطالعه قرار نگرفته است، اما در برخی از اسناد بین‌المللی مانند اصول حقوق قراردادهای اروپا^۱ و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۲ و همچنین پیش‌نویس طرح مشترک مرجع^۳ که در حقیقت طرح اولیه قانون مدنی اروپا در آینده محسوب می‌شود، پیش‌بینی شده و ضمانت اجرای آن نیز بیان شده است.

قبل از بیان مفهوم و مبنای وظیفه همکاری موکل و ذکر احکام مقرر در اسناد بین‌المللی، توضیح این نکته لازم است که قرارداد وکالت دادگستری با آنکه از برخی جهات با قرارداد وکالت مدنی یا بازرگانی متفاوت است، لیکن در اصول و قواعد کلی حاکم، دارای موارد مشترک متعددی از جمله موضوع بحث مقاله حاضر (وظیفه همکاری موکل در قبال وکیل) است، لذا برای پرکردن خلأهای موجود در برخی زمینه‌ها، مراجعه به قواعد عمومی وکالت، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

۲- مفهوم و مبنای تکلیف همکاری

قابل ذکر است که در بسیاری از کشورها، وظیفه همکاری متعهدله، یکی از شاخه‌های اصل حسن نیت در قراردادها به شمار می‌رود و بنابراین در برخی از نوشته‌ها و آرای قضایی برای بیان همان تکلیف، به قاعده و اصل حسن نیت استناد شده است.^۴ در هیچ یک از مقررات ما، مفهوم تکلیف مورد اشاره مشخص نشده است، اما از مواد اسناد بین‌المللی مورد اشاره می‌توان به مفهوم آن پی برد. در ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا مقرر شده است که هر طرف قرارداد، به منظور اجرای کامل عقد، مکلف به همکاری با طرف دیگر می‌باشد.^۵

1 - The Principles of European Contract Law (PECL).

2 - Unidroit Principles of International Commercial Contracts (UPICC).

3 - Draft Common Frame of Reference (DCFR).

4 - Bar. Christian von and Clive. Eric (eds), Principles, Definitions and Model. Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference, Outline ed, Sellier, 2009, p.689.

۵- ابراهیم شعاریان و ابراهیم ترابی، اصول حقوق قراردادهای اروپا، چاپ اول، تبریز، نشر فروزش، ۱۳۸۹، ص ۸۲.

ماده ۳-۱-۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بیان داشته است که: «هر طرف عقد بایستی تاحدی که چنین وظیفه همکاری به نحو متعارف و معقولی برای اجرای تعهدات طرف دیگر مورد انتظار است، با طرف دیگر همکاری بنماید».^۱

در ماده ۱۰۴-۱ کتاب سوم از پیش‌نویس طرح مشترک مرجع نیز مقرر گردیده: «متعهد و متعهدله تا زمان و حدی که می‌تواند به نحو معقولی برای اجرای تعهد متعهد انتظار می‌رود، به همکاری با یکدیگر ملزم می‌باشند».^۲

قابل ذکر است که چنین تکلیفی را برای متعهدله نبایستی با تعهد مشارکت در اجرای قرارداد اشتباه گرفت. مشارکت در اجرای قرارداد برای طرفین وظیفه اصلی قراردادی محسوب می‌شود، اما تکلیف متعهدله به همکاری در حقیقت زمینه‌ساز اجرای تعهدی است که متعهد مستقلاً و به تنهایی بر عهده دارد. تعهد دیگری که ممکن است با وظیفه همکاری متعهدله خلط شود، تعهد مستقل و متقابل متعهدله در مقابل متعهد است. به عنوان مثال، سفارش‌دهنده کالایی که مقرر شده، مشخصات و اندازه کالای مورد نظر را به سازنده ارائه کند، خود مکلف به پرداخت بهای معامله است. چنین تعهدی ارتباطی به موضوع حاضر ندارد، چرا که در مثال مذکور، تعهد سفارش‌دهنده به ارائه اندازه کالا، تعهد همکاری وی فرض می‌شود.

مهم‌ترین مبنایی که برای تعهد به همکاری در نظام حقوقی رومی، ژرمنی بیان شده، اصل حسن نیت است.^۳ اصل حسن نیت اقتضا دارد که طرفین قرارداد با یکدیگر همکاری نمایند زیرا در مواردی اجرای قرارداد از سوی متعهد، به برخی از اقدامات از سوی متعهدله وابسته است. در حقوق ایران با آنکه قانون مدنی اشاره‌ای به رعایت حسن نیت به عنوان قاعده کلی ننموده است، اما از مواد متعددی به‌طور ضمنی می‌توان ضرورت رعایت حسن نیت در قراردادها را مورد تأیید قرار داد.^۴ همچنین در قانون تجارت الکترونیکی ایران مصوب ۱۳۸۲ رعایت حسن نیت الزامی تلقی شده است. بنابراین اگر

1 - Unidroit Principle of International Commercial Law (UPICC).

2 - DCFR, III. 1:104.

3 - Weill, A. and Terré, F., Droit Civil: Les Obligations, 4th edn, Dalloz: Paris, (1986), p.360.

۴- ابراهیم شعاریان، همان، ص ۸۰.

وظیفه اجرای قرارداد براساس حسن نیت در حقوق ما مورد تأیید واقع شود، می‌توان گفت که قصور در وظیفه همکاری می‌تواند به‌عنوان نقض اصل حسن نیت تلقی شود.

همچنین یکی از مبانی تعهدات قراردادی عرف و عادت است. ماده ۲۲۰ قانون مدنی ما طرفین را به اجرای کلیه نتایجی که از عرف حاصل می‌شود ملزم نموده است. از این رو هرگاه انجام عملی از سوی طرفین قرارداد، متعارف باشد، بایستی اجرا شود. در این میان وظیفه همکاری متعهدله نیز می‌تواند مبتنی بر عرف باشد.

۳- مصادیق تعهدات موکل

طرح موضوع وظیفه همکاری موکل در مقابل وکیل علی‌الخصوص زمانی اهمیت می‌یابد که در هیچ‌یک از قوانین و مقررات راجع به وکالت دادگستری مانند قانون وکالت، لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری و آیین‌نامه هر دو قانون مذکور، سخنی از تعهدات موکل به میان نیامده است^۱ و همه باید و نبایدها، در حوزه تعهدات وکیل است. در قانون مدنی، مبحث سوم مقررات وکالت به تعهدات موکل اختصاص یافته است که صرفاً ناظر به موارد اصلی مانند اجرای تعهدات وکیل و یا راجع به هزینه‌های وکالت و اجرت وکیل است (مواد ۶۷۶، ۶۷۵، ۶۷۴ ق.م). با مروری بر نوع روابطی که وکیل دادگستری با موکل خود دارد، می‌توان مصادیق متعددی را به‌عنوان تعهدات موکل مورد شناسایی قرار داد. تعهدات موکل در حوزه وکالت دادگستری با توجه به ماهیت ویژه آن، دارای تنوع است و می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۳-۱- پرداخت حق الوکاله

تعهد موکل به پرداخت دستمزد وکیل در صورتی که وکالت مجانی در نظر گرفته نشده باشد، از جمله تعهدات اصلی موکل است و در صورت عدم وجود قرارداد، برابر تعرفه قانونی قابل محاسبه خواهد بود. معمولاً پرداخت حق الوکاله از سوی موکل به‌عنوان مهم‌ترین تعهد او در نظر گرفته می‌شود.

۱- در طرح جامع وکالت نیز، مبحثی تحت عنوان تعهدات موکل ملاحظه نمی‌شود.

۳-۲- ارائه اسرار شخصی و اطلاعات لازم

لازمه دفاع از حقوق موکل، آگاهی وکیل از اسرار موکل است و می‌تواند در سرنوشت دعوی مؤثر باشد. این وظیفه، به صراحت در مقررات پیش‌بینی نشده است، اما با توجه به ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ که حفظ اسرار موکل را وظیفه وکیل تلقی نموده است، می‌توان گفت ارائه اطلاعات و اسرار شخصی لازم تاحدی که برای پیشرفت دعوی مؤثر است از تعهدات موکل به‌شمار می‌رود. بدیهی است لازمه انجام صحیح این تعهد، راستگویی و عدم کتمان حقیقت است.

۳-۳- ارائه اسناد و مدارک

چنین تعهدی به صراحت در مقررات وکالت بیان نشده است، اما در ماده ۳۲ قانون وکالت به تنظیم فهرست اسنادی که موکل به وکیل می‌سپارد اشاره شده است. در جلسه اول دادرسی نیز ارائه اصول اسناد و مستندات دعوی ضرورت دارد و بر این اساس موکل وظیفه دارد که تمامی اسناد و مدارکی که وکیل برای دفاع از وی لازم دارد، در اختیار وی قرار دهد. به موجب ماده ۳۸۴ قانون تجارت اتریش موکل وظیفه دارد هرگونه مستندات لازم را در اختیار وکیل قرار دهد.^۱

۳-۴- تعهد به دادن اطلاعات مورد نیاز

موکل بایستی در خصوص موضوع وکالت، هر آنچه را که می‌تواند در سرنوشت دعوی او مؤثر باشد، به وکیل اعلام نماید، به‌عنوان مثال موکل باید اطلاعات لازم در خصوص دعاوی سابق و یا دعاوی در جریان رسیدگی را در اختیار وکیل قرار دهد و یا آنکه سوابق اختلاف خود را با طرف دعوی به وکیل اعلام نماید. فهرست کاملی از اطلاعاتی که ارائه آن ضرورت دارد، نمی‌توان ارائه نمود و در هر مورد با توجه به اوضاع و احوال قضیه و به صورت متعارف چنین وظیفه‌ای بر عهده موکل خواهد بود.

1- Bar. Christian von and Clive. Eric (eds), Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference, Full ed , Sellier, 2009, p.2067.

در توضیح رسمی طرح پیش‌نویس مشترک مرجع، بیان شده که ارائه هرگونه اطلاعاتی از سوی موکل ضرورت ندارد، زیرا ممکن است موکل نداند که کدام‌یک از اطلاعات برای وکیل لازم است، با این حال هرگاه به صورت متعارف انتقال اطلاعات بتواند وکیل را در انجام وکالت توانا‌تر سازد، موکل بایستی این گونه اطلاعات را بر اساس درخواست وکیل به او ارائه کند.^۱

تعهد به دادن اطلاعات به عنوان قاعده کلی در بسیاری از قراردادها به رسمیت شناخته شده است و در قرارداد وکالت نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. در حقوق فرانسه تعهد خاصی مبنی بر لزوم ارائه اطلاعات از سوی موکل خواه راساً و خواه بر اساس درخواست وکیل، وجود ندارد و همین قاعده در قانون مدنی و حقوق مصرف‌کننده اعمال می‌شود، مگر در مورد نمایندگی بازرگانی که اصل وظیفه اطلاع‌رسانی به موکل را دارد. در حقوق این کشور عواقب ناشی از عدم ارائه اطلاعات از سوی موکل در قانون پیش‌بینی نشده است، اما اظهار عقیده شده است که خودداری از پاسخگویی به سؤالات وکیل، می‌تواند او را از مسئولیت در مقابل موکل معاف سازد.^۲

۳-۵- هزینه‌های انجام موضوع وکالت

هزینه دادرسی، مسافرت و تحقیقات و معاینه محلی، حق‌الزحمه کارشناسی و نشر آگهی و نظایر آن در مواد ۳۴ و ۳۵ قانون وکالت مورد اشاره قرار گرفته است و از دیگر تکالیف موکل به شمار می‌رود و اجرای تعهدات وکیل، بدون انجام اقدامات فوق از سوی موکل مقدور نمی‌باشد.

۳-۶- حضور موکل در دادگاه در موارد نیاز

با آنکه در دعاوی مدنی، بر خلاف دعاوی کیفری علی‌الاصول ضرورتی برای حضور موکل در دادگاه وجود ندارد، اما در مواردی که وکیل مصلحت و ضروری تشخیص دهد، موکل وظیفه

1- Bar. Christian von and Clive. Eric (eds), Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference, Full ed, Sellier, 2009, p.2066.

2- Cass.civ. Ire 13 November 1997, Bull.civ. 1997, I no.308, cited in: Bar. and Clive (eds), op. cit., p.2070.

دارد اقدام لازم را به عمل آورد. مثلاً هرگاه وکیل نیاز داشته باشد تا موکل با حضور خود در محکمه، در شرایط خاص، اطلاعات تفصیلی و جزئی را در اختیار وی قرار دهد، موکل ملزم به چنین همکاری و همیاری خواهد بود.

چنین تکلیفی در مقررات ما به نحو صریح ملاحظه نمی‌شود، اما حسب ماده ۴۴ قانون وکالت که انجام امور لازم از سوی موکل را که به درخواست وکیل صورت می‌گیرد، ضروری دانسته است، می‌توان چنین تعهدی را مورد شناسایی قرار داد.

۳-۷- وظیفه موکل به اعلام نشانی جدید

در جریان دفاع از حقوق موکل، برقراری تماس با موکل ضرورت دارد. در مواردی برای اخذ اطلاعات دقیق و تکمیلی چنین تماسی ضرورت پیدا می‌کند و در موارد دیگری، پرداخت هزینه‌ها توسط موکل، لازمه اقدامات بعدی وکیل است. پس هرگاه نشانی موکل تغییر یابد، وی ملزم است تا آدرس جدید خود را به وکیل اعلام کند. چنین تعهدی معمولاً به نحو صریح مقرر نمی‌شود، اما یک تعهد ضمنی معتبر تلقی می‌شود. در وسایل جدید ارتباط جمعی مانند پست الکترونیکی، همین وظیفه برای موکل برقرار است.



۳-۸- معرفی شهود

هنگامی که یکی از ادله اثباتی دعوی، شهود اعلام شده از سوی موکل است، وی وظیفه دارد در هر زمان که وکیل اعلام می‌کند، شهود را معرفی و ترتیب حضور آنان را در محکمه فراهم آورد. کوتاهی از این امر سبب خواهد شد تا وکیل توفیق لازم را در دفاع از حقوق موکل نداشته باشد.

۳-۹- ارائه دستورالعمل لازم از سوی موکل

وکیل در مقام دفاع از حقوق موکل، اختیار دارد بهترین شیوه ممکن را برگزیند و موکل حق اعتراض در این خصوص ندارد، زیرا موضوع وکالت امری فنی و تخصصی است و موکل صلاحیت تصمیم‌گیری در این مورد را ندارد. اما در مواردی ممکن است از میان طرق موجود،

امکان انتخاب به موکل داده شود. مثلاً برای مطالبه وجه چک، دو اقدام از طریق طرح دعوی مدنی و صدور اجرائیه از سوی اداره ثبت متصور است و هر یک از شیوه‌های یادشده می‌تواند مزیت‌هایی را به همراه داشته باشد.

پس در مواردی، می‌توان با ارائه نقاط قوت و ضعف هر یک از طرق مذکور، اختیار عمل را به موکل سپرد. با این وصف موکل استحقاق پیدا می‌کند تا خود شیوه استیفای حق را برگزیند، اما در عین حال که امکان انتخاب او، چهره حق دارد، چهره تکلیف نیز به خود می‌گیرد، زیرا انجام اقدام از سوی وکیل، نیازمند انتخاب یکی از دو شیوه از سوی موکل است و بنابراین وکیل حق دارد اجرای آن را از موکل بخواهد.

ارائه دستورالعمل‌های لازم از سوی موکل به صورتی که وکیل بتواند اجرای قرارداد را عملی سازد، در بند ب ماده ۱۰۱-۲ بخش IV.D پیش‌نویس طرح مشترک مرجع، یکی از اقسام تعهدات ناشی از وظیفه همکاری موکل در نظر گرفته شده است. چنین وظیفه‌ای در دو مورد مصداق می‌یابد، یکی از این موارد هنگامی است که چنین تکلیفی در قرارداد وکالت پیش‌بینی شده باشد و دوم آنکه وکیل ملزم باشد که چنین درخواستی از موکل بنماید.^۱

در حقوق انگلیس موکل براساس قرارداد وظیفه دارد نسبت به ارائه دستورالعمل‌های لازم به وکیل اقدام کند و چنین دستورالعملی باید واضح و دقیق باشد و در غیر این صورت مسئولیتی متوجه وکیل نخواهد بود.^۲ با این حال امروزه به دلیل دسترسی به وسایل ایجاد ارتباطات، احتمال دارد وکیل وظیفه داشته باشد تا از موکل درخواست کند تا ابهام دستورالعمل را مرتفع سازد.^۳

ملاحظه می‌شود که در میان تعهدات مذکور، منحصرأ تعهد اول یعنی پرداخت حق الوکاله تعهد اصلی موکل محسوب می‌شود و اجرای تعهد وکیل به آن وابسته نیست. در حالی که همه تعهدات دیگر موکل، به نحوی از انحاء در سرنوشت دعوی مؤثر است و عدم اجرای آنها از سوی موکل، می‌تواند منتهی به نتیجه نامطلوب در اجرای وکالت شود و امکان دفاع و اجرای تعهد وکیل را از او سلب کند. هر چند که تعهد وکیل دادگستری از مصادیق تعهد به وسیله است نه تعهد به نتیجه، اما

1 - Bar. Christian von and Clive. Eric (eds), op. cit., p.2066.

2 - Ireland v. Livingstone (1872) LR 5 HL 395.

3 - Bar. Christian von and Clive. Eric (eds), op. cit., p.2068.

عدم همکاری موکل در اجرای تعهدات یاد شده، سبب خواهد شد تا در اثر عدم توفیق وکیل، وی متحمل خسارت مالی و معنوی شود.

در بسیاری از موارد، وکلای دادگستری به هنگام عدم توفیق در دفاع از موکل، از جهت رعایت اصول و قواعد اخلاقی، اقساط بعدی حق الوکاله را مطالبه نمی‌نمایند و تحت چنین شرایطی که عدم همکاری موکل نتیجه نامطلوب را در دعوی به همراه داشته باشد، وکیل از نظر مالی و اقتصادی متضرر خواهد شد.

ثانیاً چنین نتایجی، می‌تواند سبب کسر حیثیت و شهرت وکیل شود و لطمه معنوی به او وارد آورد، چرا که اعتماد دستگاه قضایی و ارباب رجوع تا حدی تحت تأثیر نتیجه نامطلوب دعوی قرار می‌گیرد. به این جهت در مطالعات جدید حقوق قراردادها، از جمله اسناد بین‌المللی، تعهد همکاری موکل مورد توجه قرار گرفته است. در پیش‌نویس طرح مشترک مرجع تعهد همکاری موکل در مقابل وکیل مورد تصریح قرار گرفته و بر اساس قاعده کلی به رسمیت شناخته شده است.^۱

در ماده ۱۰۱-۲ بخش IV.D طرح مذکور، مقرر شده که تعهد همکاری علی‌الخصوص در موارد زیر از سوی موکل وجود دارد:

(۱) پاسخ به درخواست‌های وکیل برای ارائه اطلاعاتی که برای اجرای تعهدات ناشی از قرارداد وکالت ضروری است.

(۲) ارائه دستورالعمل‌های لازم از سوی موکل به نحوی که وکیل بتواند اجرای قرارداد را عملی سازد.

به عنوان نمونه‌ای نادر در ماده ۲۱۴۹ قانون مدنی کبک (کانادا)^۲ مقرر شده است که موکل برای تسهیل اجرای موضوع وکالت، مکلف به همکاری با وکیل است.

1 - Bar and Others, Draft Common Frame of Reference, Outline ed, 2009, p. 335.

2 - 2149 [CCQ]. Le mandant est tenu de coopérer avec le mandataire de manière à favoriser l'accomplissement du mandat.
(<http://ccq.lexum.org/ccq/section.do?lang=fr&article=2149>).

۴- آثار نقض تعهد همکاری

در صورتی که متعهدله به تکلیف خود عمل نکند، و چنین اقدامی اجرای قرارداد از سوی متعهد را ناممکن سازد، بایستی ضمانت اجرای آن را مورد بررسی قرار داد. با توجه به اینکه در اکثر قراردادها همه مصادیق تعهدات متعهدله (برای همکاری) مورد تصریح طرفین قرار نمی‌گیرد، لذا ممکن است در پاره‌ای از آثار نقض چنین تعهداتی، تردید حاصل شود.

برخی معتقدند که تکلیف همکاری نیز یک تعهد است و مانند سایر تعهدات نقض آن طرف دیگر را محقق می‌سازد تا به طرق مختلف ضمانت اجرای ناشی از نقض قرارداد مانند فسخ قرارداد، مطالبه خسارت یا اجرای عین تعهد متوسل شود.^۱

باید اشاره نمود که برخی از اقسام ضمانت اجراها، با یکدیگر قابل جمع هستند و متعهدی که با نقض وظیفه همکاری از سوی متعهدله روبه‌رو شده، می‌تواند به طرق گوناگون متوسل گردیده و مثلاً ضمن فسخ قرارداد، خسارت وارده را نیز مطالبه نماید.

بر این اساس در شرح رسمی ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا، بیان شده که نقض تکلیف همکاری، علاوه بر اینکه متعهد را از اجرای تعهد معاف می‌سازد، به او اجازه می‌دهد که به قرارداد خاتمه داده و خسارت وارده را نیز وصول نماید، زیرا در چنین وضعیتی متعهدله، خود مسئول است و نمی‌تواند در برابر عدم اجرای تعهد از سوی متعهد، به هیچ کدام از طرق ضمانت اجرا متوسل گردد.^۲

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، تعهد همکاری متعهدله یکی از مظاهر اصل حسن نیت است و بنابراین می‌توان گفت که نقض تکلیف همکاری در مجموع، نقض اصل حسن نیت تلقی می‌شود و می‌تواند ضمانت اجرایی آن را به دنبال داشته باشد.

با در نظر گرفتن اینکه انجام همکاری از سوی موکل در زمره تکالیف اوست، لذا نقض آن موجب خواهد شد تا وکیل بتواند به هریک از طرق جبران قابل دسترس متوسل شود.

1- Danny Busch and Others, The Principles of European Contract Law and Dutch Law, 2002, p. 53.

2- O. Lando and H. Beale, The Principles of European Contract Law, Part I and II, 2000, p.119-120.

ضمانت اجرای اولیه نقض قرارداد در حقوق ما، اجرای عین تعهد^۱ است و مواد ۴۷۶، ۳۹۵، ۲۳۷ و برخی دیگر از مواد قانون مدنی بر این امر دلالت دارد. پس هرگاه احراز شود که متعهدله وظیفه همکاری داشته و این وظیفه را نقض نموده است، می‌توان براساس قواعد کلی قابل اعمال در حقوق ما، الزام وی را به انجام همکاری از دادگاه مطالبه نمود.

همچنان که برخی از حقوق‌دانان بیان داشته‌اند عدم اجرای تعهد همکاری، همان اثری را دارد که خودداری از اجرای هر تعهد قراردادی دیگر به دنبال دارد و اقسام ضمانت اجرای تعهد تعریف شده برای عدم اجرای تعهدات، از جمله اجرای عین تعهد، شامل نقض تکلیف همکاری نیز می‌شود و به‌عنوان مثال، هرگاه متعهد برای اجرای قرارداد در زمین متعهدله، نیاز به راه عبور و دسترسی داشته باشد و طرف مقابل از همکاری دریغ ورزد، به حکم دادگاه می‌توان الزام وی را به همکاری و تأمین راه دسترسی تقاضا نمود.^۲

اما در خصوص وکالت اتخاذ چنین شیوه‌ای مناسب نمی‌باشد، زیرا اولاً عقد وکالت از جمله عقود جایز بوده و در صورت نقض وظیفه همکاری، وکیل می‌تواند با استعفای خود به آن پایان دهد و ثانیاً طرح دعوی الزام موکل برای اجرای تعهد همکاری، که مقدمه‌ای برای استیفای حقوق موکل ناقض عهد است، منطقی به نظر نمی‌رسد. البته باید توجه داشت که علی‌رغم جایز بودن عقد وکالت، در هر حال طرفین عقد ملزم به انجام تعهدات خود هستند و مادامی که عقد از ناحیه یکی از طرفین فسخ نشده باشد، تکلیف طرفین به اجرای تعهدات ناشی از عقد برقرار خواهد بود.

ضمانت اجرای دیگر نقض قرارداد، مطالبه خسارت است و در حقوق ما، ماده ۲۲۶ قانون مدنی بر این موضوع اشاره نموده است. پس باید وضعیت مطالبه خسارت از سوی متعهد را در موردی که متعهدله به تکلیف همکاری خود عمل ننموده مورد بررسی قرارداد.

به نظر برخی از حقوق‌دانان برجسته آلمانی، تجاوز و تخطی از وظیفه همکاری، سبب می‌شود که متعهد، استحقاق مطالبه خسارت را پیدا کند.^۳ حسب شرح رسمی اصول حقوق قراردادهای

1 - Specific Performance

2 - Bar and Clive, Draft Common Frame of Reference, Outline ed, 2009, p.687.

3- Reinhard Zimmermann, Breach of Contract and Remedies under the New German Law of Obligations, 2002, p.23.

اروپا، در صورت نقض تکلیف همکاری، می‌توان به هر یک از اقسام ضمانت اجرایی‌ها متوسل شد، لذا مطالبه خسارت در این سند بین‌المللی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.^۱

در تفسیر حکم پیش‌بینی شده در طرح مشترک مرجع راجع به تعهدات موکل، بیان شده است که نقض وظیفه همکاری از سوی موکل (از جمله عدم ارائه اطلاعات مورد نیاز) وکیل را محق می‌سازد تا هر گونه خسارت وارده از جمله از دست دادن سود حاصل از قرارداد را مطالبه نماید.^۲

همچنین طرفین قرارداد در حدود قوانین، این امکان را دارند که نتیجه و عواقب پیمان‌شکنی را میان خود مورد تصریح قرار دهند. از جمله آنکه می‌توانند توافق کنند هرگاه یکی از آنان از انجام تکلیف همکاری، خودداری نماید، وجه‌التزام مقرر پرداخت شود (ماده ۲۳۰ قانون مدنی). باید توجه داشت که امکان مطالبه خسارت ناشی از عدم همکاری موکل، محدود به خسارات مالی و اقتصادی نبوده و مطالبه خسارت معنوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی نیز امکان‌پذیر است و در برخی اسناد بین‌المللی مانند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپا، مطالبه آن تأیید شده است. بنابراین هرگاه نقض وظیفه همکاری موجب کسر حیثیت و شهرت و اعتبار حرفه‌ای وکیل شود، می‌تواند خسارت معنوی متحمل را مطالبه نماید.

با آنکه در نظریه تعهد به همکاری، و در صورت نقض چنین تکلیفی می‌توان به ضمانت‌های اجرایی دیگری نیز متوسل شد، اما نتیجه مسلم دیگری که از عدم همکاری موکل ناشی می‌شود، عدم شناسایی مسئولیت برای وکیل است. زیرا در چنین وضعیتی عدم حصول توفیق در دعوی موکل، به وکیل قابل انتساب نیست و ناشی از اقدام خود موکل است.^۳

به نظر برخی^۴ ایجاد مانع از سوی متعهدله موجب معافیت از مسئولیت است و بر اساس دیدگاهی دیگر هرگاه متعهدله با عمل مثبت خویش مانع انجام تعهد گردد، متعهد مسئول نمی‌باشد.^۵ البته باید توجه داشت که ایجاد مانع از سوی متعهدله منحصر به فعل و اقدام مثبت نیست و ترک فعل نیز تحت شرایطی می‌تواند به عنوان مانع اجرای تعهد در نظر گرفته شود و متعهد را از مسئولیت معاف سازد.

1 - Lando, op. cit., p.119.

2 - Bar. Christian von and Clive. Eric (eds), op. cit., p.2066.

۳- مطابق قاعده اقدام هرگاه شخصی به زیان خود اقدامی بنماید، نمی‌تواند از دیگری مطالبه خسارت نماید.

۴- ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴.

۵- مهدی شهیدی، آثار قراردادها و تعهدات، ۱۳۸۳، ص ۷۶.

نتیجه‌گیری

در قانون‌گذاری‌های مدرن تکلیف همکاری متعهدله مورد تصریح قرار گرفته و ضمانت اجرای آن نیز مشخص گردیده است. چنین تکلیفی مبتنی بر اصل حسن نیت و عرف و عادت است. تکلیف موکل به همکاری با وکیل مانند ارائه اطلاعات لازم و دستورالعمل‌های مورد نیاز از جمله این موارد است.

با در نظر گرفتن مشکلات و مخاطراتی که حرفه وکالت به دنبال دارد، ضروری است که در اصلاحات قانونی تکالیف اصلی و در کنار آن، اهم تکالیف همکاری موکل پیش‌بینی گردیده و نتایج ناشی از نقض آنها نیز مورد تصریح قرار گیرد. مطالعات تطبیقی نیز می‌تواند در تصویب مقررات جدید مؤثر واقع شود.



فهرست منابع

۱- منابع فارسی

شعاریان، ابراهیم و ابراهیم ترابی، اصول حقوق قراردادهای اروپا، چاپ اول، تبریز، نشر فروزش، ۱۳۸۹.

شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، چاپ دوم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۳.

قانون تجارت الکترونیکی

قانون مدنی

قانون وکالت

کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۴، چاپ چهارم، تهران، نشر انتشار، ۱۳۸۳.

لایحه قانونی استقلال قانون وکلاء دادگستری.

۲- منابع لاتین

Bar. Christian von and Clive. Eric and others (eds), *Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference*, Outline ed & Full ed, Sellier, 2009.

Busch. Danny, *The Principles of European Contract Law and Dutch Law, A Commentary*, Kluwer Law International, 2002.

Lando. Ole and Beale. Hugh, *The Principles of European Contract Law*, Part I and II, Kluwer Law International, 2000.

Weill, A. and Terré, F., *Droit Civil: Les Obligations*, 4th edn, Dalloz: Paris, 1986.

Zimmermann. Reinhaard, *Breach of Contract and Remedies under the New German Law of Contract*, Saggi, Conferenze E Seminari, Roma, 2002.

۳- اسناد بین‌المللی

The Principles of European Contract Law (*PECL*)

Unidroit Principles of International Commercial Contracts (*UPICC*)

Draft Common Frame of Reference (*DCFR*)